

## ترور افراد و ترور حقیقت و آزادی

### هر دو محکوم است

ترور آیت الله مطهری، حادثه‌ای نبود که خشم و انزجار نیروهای خلقی را برنیا نگیزد، و چنانکه دیدیم با توفان خشم توده‌ها مواجه شد و سازمانها و جمعیت‌های سیاسی یکمدا به محکومیت آن برخاستند. کمونیستها به حکم اصول اعتقادی‌شان که همواره با ترور و تروریسم مخالف بوده و این عمل رانه فقط در رابطه با این یا آن موردبخصوص و این یا آن شخص معین، بلکه از آنجا که اساسا چنین شیوه‌ای رازبانبخش و انحرافی میدانند، آنرا محکوم نموده و بعنوان اقدامی که عملا در خدمت امپریالیسم قرار میگیرد، آنرا افشا ساختند.

مارکسیسم - لنینیسم بمثابه علم رهائی زحمتکشان، اساسا در کوران مبارزه با مکتبها و سیستمهای گوناگون فکری و فلسفی، از جمله آنارشیسم و تروریسم آبدیده شده و رشد و قوام یافته است. مارکس آموزگار بزرگ زحمتکشان جهان، همواره آنارشیست‌های نظیر باکونین، بلانکی، ماکس اشتیتر و... را مورد انتقاد کوبنده خود قرار داده است. لنین در افشای ترور و تروریسم، که جز بسود دشمنان خلق نبوده و نخواهد بود، رسالات متعددی نگاشته و انحرافی و نادرست بودن این شیوه را به نحو غیرقابل انکاری با اثبات رسانده است. کسانی که اندک آشنائی با مارکسیسم - لنینیسم دارند، میدانند که کمونیستها را با ترور کاری نیست، با وجود این سبک مغزانی پیدا میشوند که با ادعای همه‌دانی و همه توانی که دارند، میخواهند ترور آیت الله مطهری را به گردن کمونیستها بیاندازند.

ارتجاع و انحصار طلبان، هر آنجا که فرصتی دست دهد، از جمله به کمونیستها و سعی در آلودن آنها کوتاهی نمیکنند. محنه گردانان این دروغ با فیها، از فجایع گنبد و کردستان گرفته تا قتل قره‌نی و آیت الله مطهری، همه جا کمونیستها را، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، مورد اتهام قرار دادند. اینان با سوء استفاده از اعتقادات توده‌ها، با به بازی گرفتن احساساتشان، سعی میکنند تا شورا انقلابی توده‌ها را که هنوز فروکش نکرده است در جهت اهداف فیلد خود، سمت دهند. ترور آیت الله مطهری که گروهی بنام "فرقان" مسئولیت آن را بعهده گرفت، مقامات رسمی نیز خبر ازشنا سائی افراد این گروه میدادند، با این همه مستمکی شد در دست اینان تا با استفاده از آن بحمله علیه کمونیستها پرداخته و اذهان توده‌ها را با انحراف بکشانند.

آقای رفسنجانی یکی از برجسته ترین ایفا کنندگان این نقش بوده که با زیر پا گذاشتن تمام آن حقایقی که خود بهتراهر کس دیگری بدان واقفست، با سوء استفاده از اعتماد توده‌ها، کمونیستها را آماج اتهامات واهی قرار داد. البته ایشان درک نمیکنند که کمونیستها با تکیه ایمانی که به حقانیت خویش دارند، هرگز عقاید و نظراتشان را مخفی نمیکنند، ایشان درک نمیکنند که کمونیستها با ایمان بخلق، اشتباهات و انحرافات احتمالی خود را در پیشگاه خلق به داوری میگذارند و پنهان از خلق چیزی ندارند. با اینهمه نامبرده کوشید تا با مثالهای فریبنده‌ای از قبیل اینکه شوروی از آمریکا گندم می‌خرد و یا جنگ داخلی کامبوج و... خط بطلان بر اندیشه بالنده‌ای چون مارکسیسم - لنینیسم کشد که صفحات درخشان تاریخ جهان به نامش ورق خورده است. و در مقابل با این چنین سخنانی به آمریکا حیثیت و اعتبار ببخشد. اما کیست که نداند کمونیستها سر سخت ترین مدافع حقوق زحمتکشان بوده و تا پای جان در راه تعالی انسان و انسانیت ایستاده‌اند؟ کیست که نداند اتحاد شوروی تحت رهبری کمونیستها، با انتشار ۲۵ میلیون قربانی، فاشیسم، این عفریت خون آشام را که میرفست بشریت را در کام خود فرو کند، بزناود آورده؟ کیست که نداند خلق ویتنام، تحت رهبری کمونیستها بود که پوزه امپریالیسم آمریکا را با آن قدرت جهنمی اش بخاک مالید؟

لکن از آقای رفسنجانی و همپالکیهایش انتظاری جز واژگونه نشان دادن حقایق نمی‌رود. و چنین است که میبینیم حقایق تاریخی میهنان را نیز تحریف کرده و خط بطلان بروی جانفشانها و فداکاریهای سوسیال دمکراتها و کمونیستها می‌کشد و نقش حیدر خانها، علی مسیوها، و قلی زاده‌ها را لوث میکند و در عوض خیانتها و جنایت‌های مشروع طلبان را به سکوت برگزار میکند. اما اگر چنانچه بتوان کسانی را با استفاده از عدم آگاهی‌شان از تاریخ مبارزات چند دهه قبل فریفت، لکن در مورد مبارزات قهرمانانه دهه اخیر که هر کس بنحوی شاهدش بوده است، نمیتوان دروغ بافی نموده، اذهان را منحرف ساخت. کیست که نداند در طی سالهای خفقان، این کمونیستها بودند که دوشادوش برادران مجاهد خود لحظه‌ای از مبارزه با رژیم غدار شاه آرام نگرفتند؟ کیست که نداند که این کمونیستها بودند که دوشادوش رزمندگان مسلمان، چه در کوچه و خیابان و چه در میدانهای اعدام و چه در زندانها، با با پایمردی‌های خود حماسه‌ها آفریدند؟ در سالهای حاکمیت امپریالیسم و رژیم

وابسته اش که تنها داشتن یک کتاب داستان متمایل به کمونیسم، سالها شکنجه و زندان بهمراه داشت، کمونیستها قهرمانانه مبارزه کردند و مهر دلوریها و فداکاریها و مقاومتهای خویش را بر در و دیوار زندانها و شکنجه گاهها، بر سنگفرش میدانهای تیر و کوجه و خیابان شهرها، نقش زدند. و حال، بسیار شگفت انگیز است وقتی کسانی پیدا میشوند و آزادیهای بدست آمده در اثر مبارزات خویش خلقها را، " صدقه" و " عطیه" شخصی بحساب آورده و با تبختر خاصی انتشار روزنامه و یا استفاده از ساختمان دولتی را بر رخ کمونیستها میکشند! هرکس ولو بایک جو صداقت و آزادگی، بخوبی میدانده که آزادیهای نیم بند فعلی را کسی بمردم هدیه نکرده است تا درباره آن به یاوه بافیهای معامله گرانه بنشیند.

آقای رفسنجانی نیک میدانده که در همین دوسه سال پیش، زمانی که بسیاری از انقلابی نماهای امروزی بدنبال مال اندوزی از طرق مختلف بودند، کمونیستها در عرصه نبرد بیامان با رژیم آریامهری، از بذل جان دریغ نداشتند. آری، اینان در حرص مال اندوزی و کمونیستها از طریق آزادی و آزادگی، و حال که این فرصت طلبان براریکه قدرت لم داده اند و خود را انقلابی جا میزنند، گویا فراموش کرده اند که در زمان دیکتاتوری شاه، تسلیم طلبی را گاه تابدانجا رسانده بودند که مبارزه با رژیم شاه را کمکه به مارکسیسم دانسته و با این توجیه به لانه های خود خزیده و برخیا ننت و بزدلی خویش سرپوش می گذاشتند! در شرایطی که امپریالیسم میکوشد تا با توطئه چینیهای خود، کشور ما را در قدرت خود نگا هدارد، آقای رفسنجانی، کوشش میکند که شعار " مرگ بر کمونیسم" را بجای شعار " مرگ بر آمریکا" بنشانند. وی که در روز تشییع جنازه آیت الله مطهری نیز از طریق بلندگوهای خیابانیشان، سعی در انحراف اذهان توده ها و متهم ساختن کمونیستها داشته در حقیقت جز آب به آسیاب و شهد در کام امپریالیسم نمیریزد.

جالب است که وی در سخنان تحریک آمیز خود، از اینکه توده های بیدفاع مردم را در زمان رژیم شاه خائن مسلح نکرده اند، با افتخار یاد میکند و با گردن کشیده از اینکه بسیاری از آنان را که با تمام وجود میگفتند: " رهبران ما را مسلح نکن"، با دست خالی بجلوی گلوله های دشمن خونخوار فرستاده اند، حرف میزند! و از روی این حقیقت که توده ها سرانجام تسلیم این محافظه کاریها و تزلزلات نشدند و خود حکم تسلیح خود را صادر کردند و قهرمانانه حماسه قیام بهمین ماه را آفریدند، براحتمی رد میشود. و تازه بعد از اینهمه " افتخار" و " تزلزل" نه فقط از کاری که نکرده اند پشیمان نیستند، بلکه کمونیستها را از عملی که در مقابل رژیم و علیرغم درخواست توده ها حاضر انجام نشدند، میترسانند، و حرف بر زبان توده های نا آگاه میگذارند! و بدین ترتیب به تحریک فضاحت آوری دست میزنند که تنها جنایتکارترین دشمنان خلق ما را میتواند خشنود سازد!

آقای رفسنجانی! مردم برای درهم کوبیدن کامل نفوذ و سلطه امپریالیسم، برای اینکه دیگر فرزندان شان بدست اهریمنان ریوده نشوند، برای اینکه مادران در غم عزیزان خود به ماتم ننشینند، برای اینکه در محیطی آزاد و آباد زندگی کنند، بوحث و همبستگی نیاز دارند. این همه تنها در سایه وحدت یکپارچه و رزمنده خلق میسر است. و این درست همان چیزی است که امپریالیسم از آن وحشت دارد و میکوشد تا به یاری عمال بومی اش، شورا انقلابی و وحدت صفوف خلق را تجزیه کرده و اذهان عمومی را در اهداف افسیل جنبش ملی ماکه همانا فراع کامل سلطه امپریالیسم است، منحرف سازد. و بدین طریق راه را برای هجوم ضد انقلاب، برای سرکوب خلق و استقرار مجرمانه امپریالیسم فراهم نماید و ترور آیت الله مطهری به چنین هدفی خدمت میکند. بدین لحاظ است که:

ما ترور آیت الله آیت الله مطهری را محکوم میکنیم، اما بهمراه آن و شدیدتر، سر افکار و جعل حقایق و فریبکاری را محکوم میکنیم.

ما ترور استاد مطهری را محکوم میکنیم، اما بهمراه آن و شدیدتر، فرصت طلبانی را که با سنگر سرزنش در پشت اجساد شهدای راه آزادی، برای ترور آزادی، برای بازگرداندن اختناق میکوشند، محکوم مینمائیم.

ما ترور استاد مطهری را محکوم میکنیم، اما بهمراه آن و شدیدتر، تفرقه افکنی و جنگ افروزی در صفوف خلق را محکوم مینمائیم. فقط راه را برای ترورهای بعدی میکشاید، بلکه زمینه قتل عام و کشتار و سرکوب انقلاب را تدارک میبندید، محکوم مینمائیم.

ما ترور استاد مطهری را محکوم مینمائیم، اما بهمراه آن و شدیدتر، گفتار آقای هاشمی رفسنجانی را در حضور امام، که با تمام قوا تلاش میکرد با جعل و تحریف حقایق، بشکلی تحریک آمیز، این عمل ضد انقلابی را بحساب کمونیستها، که بیش از هرکس با آن مخالفت بگذارند، محکوم مینمائیم.

نابود باد توطئه های امپریالیسم و ارتجاع!

مستحکم باد وحدت رزمنده نیروهای خلق!

کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۲/۲۴